

نوآوری در روابط خانوادگی و ازدواج

فروغ صانعی سویتزر

نکاتی که در مورد روابط خانوادگی و ازدواج ذکر خواهد شد بر مبنای آثار بهائی، تحقیقات و تئوری‌های جدید در زمینه مشورت زوجی و تجربیات شغلی شخصی که به همراه همسرم ریموند سویتزر در زمینه مشورت زوجی داریم، خواهد بود.

زمانی که حضرت بهاءالله فرمودند: «گذشت زمان آنچه از قبل بود میقات جدید به میان آمده. کلّ شیء به ارادةالله تازه گشت» (۱). عالم بشریت به ظرفیت و نیروئی تازه و بی‌سابقه مزین شد و مرحله‌ای کلی از رشد و تکامل انسانی آغاز شد. در این روند همه موازین و روابط فردی، اجتماعی و روحانی معنایی جدید پیدا کرد. نهاد ازدواج و خانواده که البتّه محور اصلی و سنگ بنای اجتماع و نظام بشری است از این تحوّل مستثنی نماند. هر چند که به فرموده مبارک مؤسسه ازدواج نهادی الهی و ابدی است، در گذشته بوده و در آینده هم خواهد بود ولی ماهیت، کاربرد و چهره این نهاد در دوره‌های مختلف و بسته به شرایط رشد و بلوغ بشری تغییر کرده و خواهد کرد. در مورد این تجدّد و درک ناکامل ما از این تحوّل در مفاهیم قدیمه، حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند: «در آئین بهائی مفاهیم قدیم با عرفان جدید ظاهر گشته و احکام اجتماعی طبق مقتضیات این زمان تغییر یافته است تا بشر را به سوی مدنیته جهانی هدایت نماید که در عصر حاضر حتی اندکی از جلوه و جلالش را تصوّر نتوان نمود». (۲)

بنابراین در این مقطع از زمان ما در مراحل اولیّه سیر تحوّل طولانی در جهت رسیدن به مدنیته جدید هستیم که عظمت و زیبایی آن حتی از حیطة تصوّرمان هم خارج است. شاید ازدیاد ارقام و آمار طلاق‌ها و نارضایتی زوجین در ازدواج‌های امروزی نشانه‌ای از این دگرگونی در ماهیت و کاربرد ازدواج و ندانم‌کاری‌ها و عدم آگاهی بشر در تطبیق سنت‌های قدیمه با اصول و ضروریات جدیدۀ این دور باشد.

بررسی ابعاد و عوامل مختلفی که در این دور اعظم به ازدواج معنا و مفهومی جدید داده بحث مفصّلی خواهد بود. در اینجا فقط به یک عامل اصلی که کیفیت و ماهیت رابطه زناشویی را

دستخوش انقلاب عظیمی کرده، اشاره می‌کنم و بعد قدری عمیق‌تر به این عامل و کاربرد آن نگاه کرده و احتمالاً به پیشنهاداتی که در این سیر تحولی به ما کمک خواهد کرد می‌پردازیم. این اصل که فی الواقع یکی از اصول اساسی دیانت بهائی است حکم تساوی حقوق بشر است. اصل تساوی حقوق بشر فی الواقع پیشگام اصل وحدت و یگانگی بشر خواهد بود. تا مساوات و احترام حقوق همه افراد بشری مقرر نشود اتحاد و وحدت آن میسر نیست. و تساوی حقوق رجال و نساء از جمله بنیادی‌ترین این تساوی‌ها است که باید در خانواده شروع شود. در پیامی از بیت العدل اعظم می‌خوانیم که:

«تساوی حقوق زن و مرد امری است به مراتب والاتر از اظهار آرمان‌های قابل ستایش، و اصلی است که تأثیرات عمیقی بر جوانب مختلفه روابط انسانی دارد و باید جزء لاینفکی از حیات خانواده و جامعه بهائی باشد.» (۳)

برای اولین بار در تاریخ بشر از ازدواج و رابطه‌ای صحبت می‌کنیم که در آن خواسته‌ها، نظرها، نیازها و احساسات زن و مرد هر دو به طور یکسان مهم و محترم شمرده شده و نهادی است برای رشد و تحول هر دو به طور یکسان. اما این تساوی بین عناصر مختلف بشری و از جمله بین زن و مرد با این همه خصوصیات مختلف و متناوب چگونه امکان پذیر خواهد بود؟

وقتی به عالم خلقت و طبیعت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شاخص برجسته و خیره کننده آن تناوب و تنوع است، دو سنگ، دو گل، حتی دو برگ گل را پیدا نمی‌کنیم که عیناً همانند باشند. این تناوب و تفاوت‌ها زمانی که به خلقت بشر می‌رسد به اوج خود رسیده و ابعاد جدید و پیچیده‌ای پیدا می‌کنند، با خلق زن و مرد باز یک بُعد کلی دیگر به این تفاوت‌ها افزوده می‌شود. با وجودی که همه مخلوق ید قدرت الهی و از یک روح سرچشمه می‌گیریم ولی هر نفسی یکتا و بی‌مثیل خلق شده و دارای تفکرات، احساسات، توانائی‌ها و نیازهای مختلف است. این تنوع و گوناگونی در عالم طبیعت نه تنها باعث زیبایی و جلال آن است بلکه لازمه کارکرد و زنده بودن است.

این هماهنگی و همکاری بین عناصر مختلفه است که دنیا را تشکیل داده و می‌گرداند. در عالم طبیعت این فعل و انفعالات و هماهنگی و همکاری به طور غریزی و طبیعی به وجود می‌آید. پنجاه بلیون سلول مختلف در یک بدن سالم هر کدام با فرم و وظائف مختلف به طور طبیعی و

مُرآتَب در ارتباط و همکاری‌اند و دنیائی از توانائی‌ها و قدرت و رشد را برای انسان به وجود می‌آورند. اما وقتی نوبت به روابط بین افراد مختلف بشر می‌رسد می‌بینیم که این هماهنگی و همکاری به خودی خود پدیدار نمی‌شود. این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که خداوند قادر و مهربان چرا این غریزه را از او دریغ کرده؟ شاید یک جواب واضح آن باشد که خالق ماهر با اعطای نیروی بی‌همتای فکر و هوش و اراده و اختیار، بشر را در این خلقت شریک خود کرده و به این نحو او را مجهز کرده که این هماهنگی را خود در بین خود خلق کند. و همچنین از طریق ادیان مختلف در اعصار مختلف رهنمودهای لازم را در این مسیر به او ارزان کرده. حال ببینیم بشر با این نیروی یکتای خود تا به حال در این زمینه چه کرده.

نگرشی کوتاه به تاریخ ثبت شده از نزاع‌های قومی، نژادی، ملی، مذهبی، ظلم و ستم بر اقلیت‌های گوناگون و بر زنان، هلوکاست Holocaust و غیره و غیره، نمودار این است که بشر در گذشته نه تنها از این نیرو برای برقراری صلح و هماهنگی و یگانگی استفاده نکرده بلکه از آن برای از بین بردن، به زیر فرمان آوردن، حاکمیت بر آنچه غیر اوست استفاده کرده به عبارت دیگر ما به آنچه غیر ما است روی خوشی نشان نداده و نمی‌دهیم. اما با ظهور حضرت بهاءالله اراده الهی بر این قرار می‌گیرد که جامعه بشری بالمال به مرحله بلوغ خود برسد و این تساوی، هماهنگی و اتحاد در عالم بشری هم برقرار شود. به فرموده حضرت ولی امرالله:

«اصل وحدت و یگانگی عالم انسانی است که می‌توان آن را جوهر تعالیم الهیه و محور احکام و اوامر سماویّه در این دور اعظم اقدس محسوب داشت.» (۴)

حضرت بهاءالله وسیله عمده برای دستیابی به این هدف را هم به ما عطا فرموده‌اند. چنانچه می‌فرمایند:

«هیچ نیروئی موجود نخواهد بود مگر به اتحاد، هیچ سعادت و رفاهی به دست نیاید مگر از طریق مشورت. در جمیع امور مشورت لازم است. باید بر این موضوع مصرّاً تأکید نمائی تا جمیع به مشورت متمسک شوند... چه که موجب آگاهی و بیداری و منشأ خیر و سعادت بوده و خواهد بود.» (۵)

بنابراین وسیله اصلی که در این دور ما را به برآوردن وحدت و هماهنگی بین عناصر مختلف بشری کمک خواهد کرد مشورت است. اما نقش خانواده در این مسیر چه خواهد بود؟

در مکتوبی از بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم:

«حضرت بهاء‌الله جهت تحقق وحدت در عالم انسانی ظاهر شدند که اساسی‌ترین نوع آن

همان وحدت خانوادگی است.» (۶)

استنباط من از این بیانات این است که در این دور خداوند مقدر فرموده که تساوی و وحدت در خانواده و در بین زن و مرد آغاز شده و از این طریق بنای عدالت و اتحاد در جهان گذاشته شود. وسیله اصلی در اینجا هم همان مشورت است: «یکی از عوامل اصلی تقویت وحدت خانوادگی مشورت صمیمانه می‌باشد» (۷)، به عبارتی خانه و خانواده کارگاه حیات بهائی می‌شوند. اگر در اینجا بتوانیم هنر شور و مشورت را بیاموزیم و به کار ببریم می‌توانیم این مهارت را به محیط خارج از خانه هم برده و با افراد متفاوت رابطه‌ای سالم و محبت‌آمیز ایجاد کنیم و از طرف دیگر فرزندان و نسلی جدید با این مهارت‌ها به جامعه تحویل دهیم که قادر به ایجاد وحدت و هماهنگی خواهند بود. اما این مشورت بخصوص در خانواده شرط خاصی دارد. این شرط را در مکتوبی از بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم که:

«مشورت توأم با شفقت باید اصل اساسی رابطه زناشویی باشد.» (۸)

قبل از این که وارد جزئیات و تکنیک‌های مشورت در ازدواج شویم اجازه دهید اشاره‌ای کوتاه

به این لغت شفقت و تحقیقات علمی بکنیم.

جان گاتمن John Gottman محقق معروف آمریکائی که در چند دهه گذشته در لابراتورهای

انسانی صدها زوج را زیر نظر داشته و تحقیقات فراوانی در یافتن روش موفقیت در ازدواج کرده،

اخیراً در مصاحبه‌ای می‌گوید که او به این نتیجه رسیده که زوجین موفق و راضی از دو صفت

اصلی در رابطه با یکدیگر برخوردارند. یکی از این دو صفات همان شفقت است. او شفقت را به

معنای محبت و لطف در کلام و رفتار و نگاه و همدلی در خوشی و موفقیت یکدیگر توصیف کرده.

صفت دیگر را او سخاوت می‌داند به معنای دیدن آنچه خوب است. در این مورد حضرت

عبدالبهاء فرموده‌اند:

«نظر به محسنات کنید نه به سیئات. اگر نفسی دارای ده صفت حسنه باشد و یک صفت

زشت، نظر به آن ده حُسن نمائید نه به آن صفت زشت. و اگر شخص ده صفت مذموم داشته

باشد و یک صفت حمیده، به این صفت ناظر باشید و آن ده را فراموش کنید.» (۹)

به دنبال خوبی‌ها گشتن و لسان شفقت داشتن، متأسفانه در فرهنگ ما امری طبیعی و جا افتاده نیست و بخصوص در فرهنگ آموزشی و تربیتی و همچنین در روابط خانوادگی مفهومی است جدید و مانند هر روند جدید و نوئی، البته احتیاج به یادگیری و تمرین دارد. در مکتوب‌های بیت‌العدل اعظم به این نکته اشاره شده که:

«ازدواج می‌تواند منشأ راحت و آسایش بوده، احساسی از امنیت و سعادت روحانی به انسان ببخشد ولی این امر به خودی خود اتفاق نمی‌افتد». (۱۰)

کسب این مهارت‌های جدید در درجهٔ اول احتیاج به دانش و آگاهی دارد و سپس احتیاج به تکرار روزانه و تمرین مستمر است تا این خصلت به صورت طبیعت ما درآید.

حال ببینیم شرایط این مشورت با لسان شفقت یا گفتمان آگاهانه Mindful Dialogue در ازدواج احتمالاً به چه صورت خواهد بود. در آثار مبارکه می‌بینیم که هدف از مشورت، یافتن حقیقت ذکر شده و این حقیقت وقتی به عرصهٔ ظهور می‌رسد که عقاید، افکار و مفاهیم مختلفه ارائه شده و مورد نظر قرار بگیرد به عبارت دیگر هر یک از ما تنها قسمتی از حقیقت را درون خود داریم و تا نظرات مختلف و حتی متضاد را ننشیده باشیم از کل حقیقت غافلیم. حضرت عبدالبهاء بارقهٔ حقیقت را در شعاع ساطع از تصادم افکار می‌دانند:

«... تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقهٔ حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است». (۱۱)

با این وصف نه تنها اصرار ورزیدن در نظر خود بیهوده است بلکه باید آگاهانه به استقبال نظرات دیگر رفت. یعنی در درون خود فضائی برای شنیدن و درک نقطه نظر دیگری ایجاد کنیم تا به فهمی جدید از مسئله و حل آن موفق شویم.

این دید در مشورت بین زن و شوهر نقش مهمی پیدا می‌کند زیرا که این دو از دو دنیای متفاوتند و حکمت الهی مقدر کرده که در ازدواج این دو دیدگاه مختلف و توانائی‌های خاص این دو به منصفهٔ ظهور برسد تا هر یک به رشد و تکاملی جدید و ماورای خود نائل شوند.

هارویل هندریکس Harville Hendrix روانشناس آمریکائی و بینانگذار مکتب Imago Therapy در مشاورهٔ زوجی معتقد است که فرد در مسیر رشد و اجتماعی شدن خود از مراحل مختلفی می‌گذرد که در هر یک از این مراحل توانائی‌های او در زمینه‌های جسمی، جنسی، فکری

و عاطفی رشد و تحوّل پیدا می‌کند. رشد او در هر یک از این زمینه‌ها بستگی به روابط او، اوّل با والدین، و بعد با دیگران و محیط و فرهنگ دارد. به طوری که در اثر این فعل انفعالات و روابط، قسمت‌هایی از رشد کامل او در یک یا در بیشتر از این زمینه‌ها مسدود شده و به تکامل نهائی خود نمی‌رسد. با این نحو فرد با مشخصات خاصی به بلوغ می‌رسد در حالی که هویتی کاذب پیدا کرده زیرا که ظرفیت تکاملی در همه این زمینه‌ها کماکان در وجود او هست. او می‌گوید بعد از بلوغ فرد به طور ناخودآگاه به دنبال شریک زندگی می‌گردد و یا به کسانی جذب می‌شود که در زمینه‌هایی تحوّل یافته‌اند که رشد خود او در آن زمینه‌ها ناتمام باقی مانده و از این طریق او همچنان به دنبال فرصت‌هایی برای رشد و تکامل خود است. ولی همین تفاوت‌ها که در آغاز جذّاب بوده بعد از ازدواج خود باعث اختلافات و مشکلات بین این دو می‌شود. او معتقد است که با ایجاد آگاهی در این روند و مهیا کردن محیطی امن از طریق دیالوگی dialogue با ساختار منظم می‌توان به این هدف رشد فردی دست یافت. به عبارت دیگر هر نوع اختلاف نظری و شخصیتی فرصتی است برای درک تازه از دیگری و از خود که بالمآل می‌تواند منجر به رشد و تحوّل شخصیتی هر دو شود. در مکتوبی از بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء می‌خوانیم که:

«توجه به این نکته مفید است که روابط زناشویی در بسیاری از موارد مستلزم تعدیلی کلی در رفتار هر یک از دو طرف است. از آنجائی که روابط عمیق زناشویی موجب آشکار شدن بهترین و بدترین جنبه‌های شخصیت دو طرف می‌شود می‌توان گفت که هر دو شریک زندگی پیوسته به تعدیل رفتار خود مشغولند.» (۱۲)

بنابراین ازدواج فی الواقع نقطه شروعی دوباره در مسیر رشد و تحوّل شخصیتی و فردی است و مشورت با شفقت از جمله وسائل رسیدن به این هدف. مشورت با شفقت و یا گفتمان آگاهانه در ازدواج از دو بُعد تشکیل می‌شود: بُعد رسائی یا گفتن و بُعد گیرائی یا گوش دادن. این گفتمان وقتی مثمر به ثمر یافتن حقیقت و رشد و تحوّل روانی-روحی می‌شود که شرایط خاص این دو بُعد مورد نظر قرار گیرد. لازم به تأکید است که در عصر جدید لازمه ارتباط زناشویی مکالمه، مراوده و مشورت است. این را به این دلیل تأکید می‌کنم زیرا بسیاری از ما بنا بر عادات ناسالم قدیمی در هنگام مواجه شدن با اختلافات و رنجش‌ها به قهر و سکوت پناه می‌بریم و با تبعید احساسی و جسمانی همسر خود را تنبیه و مجازات کرده. این رفتار اگر از پرخاش و درشتی ضررش بیشتر نباشد

آزارش کمتر نیست و همان اندازه تحقیرکننده و مخرب است. حضرت عبدالبهاء به زوجی که زندگی مشترکشان را شروع می‌کردند چنین می‌فرمایند:

«هرگاه به علت پیش آمدی رنجشی از یکدیگر حاصل نمودند نباید آن را در دل نگاه دارند بلکه بالطبع باید آن را برای یکدیگر شرح و توضیح دهند و کوشش کنند هر چه زودتر این نفاق و کدورت برطرف شود». (۱۳)

یکی از رموز ازدواج موفق و خوشبخت همان ترمیم سریع و به موقع اختلافات و رنجش‌هاست، به جای مخفی کردن رنجش‌ها، نیازها حتی عصانیت‌ها باید راهی پیدا کرد که در مورد آنها صادقانه اما خاضعانه با شریک زندگی صحبت کرد. در لسان شفقت به این نکته آگاهییم که هر کلمه بار عاطفی و روانی دارد و می‌تواند بر وجود شنونده اثر مثبت یا منفی بگذارد و به این جهت به کلام و طرز ابراز آن توجه خاص داریم. لسان شفقت باید از این موارد دور باشد: کلام تند و لحن اهانت آمیز، انتقاد، تویخ و سرزنش، حقیر کردن و شرمنده ساختن، تجزیه و تحلیل دیگری، قضاوت و برچسب زدن، تهدید و اخطار، وعظ و نصیحت و درس دادن، طفره رفتن و طعنه زدن، پرحرفی و تکرار. در لسان شفقت سخن از خود است، تجربه و احساس و نیاز خود بدون این که ذره‌ای احساس برتری یا بهتری کنیم. با در نظر گرفتن رعایت احتراز از این موارد گفتمان آگاهانه نه تنها منبع حل مشکلات خواهد بود بلکه این گفتمان خود به نزدیکی هرچه بیشتر زن و شوهر منتهی می‌شود. در پیام‌های بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم که:

«مشورت خانوادگی با استفاده از بحث و گفتگوی کامل و صادقانه همراه با آگاهی از لزوم

میانه روی و اعتدال، می‌تواند نوهداری اختلافات خانوادگی باشد». (۱۴)

و از جهت دیگر در بُعدگیرائی هنرگوش دادن لازم است باید محیط و فضائی امن و امان ایجاد کرد که در آن هر دو بتوانند آزادانه از عمق عواطف و نیازهای خود صحبت کرده و مطمئن باشند که به نظرات آنها ارج و اهمیت داده خواهد شد. در این مورد معهد اعلی چنین می‌فرمایند:

«مشورت مستلزم آن است که تمام شرکت کنندگان عقائد خود را با آزادی کامل و بدون واهمه

از این که نظراتشان مورد انتقاد یا تحقیر قرار گیرد بیان نمایند و البته این شرط اولیّه برای موفقیت در مشورت، در محیطی که در آن ترس از خشونت و اهانت وجود داشته باشد، قابل حصول

نیست». (۱۵)

از شاخصه‌های شنیدن و یا گوش دادن با شفقت صرف وقت و توجه کامل در هنگام گوش دادن از طریق طرز نشستن و نگاه کردن، اشتیاق و کنجکاوی به درک نقطه نظر دیگری، اعتبار دادن و توجه به احساس و تجربه دیگری و بالنهایه empathy یا همدلی است. در زمینه طرز گوش دادن هم حضرت عبدالبهاء مثل اعلی ما هستند.

کلبی آیوس Kolby Ives در خاطرات خود می‌نویسد:

«بسیاری را شنیده‌ام که مستمعین خوبی هستند ولی هرگز چون هیکل مبارک مستمع نیافتم. مانند این بود که گوینده و شنونده یک نفر بودند. ایشان چنان خود را با گوینده یکی می‌دانستند که گوئی دو روح به یکدیگر اتصال یافته». (۱۶)

در قسمتی دیگر نقل شده که:

«در اثر تشویق هیکل مبارک، زائر آنچه داشت، ابراز می‌کرد و هر چه در بطون روح و قلبش برای مدّت‌ها پنهان مانده بود، ظاهر می‌ساخت و همین که از کلمات خالی می‌گردید، حضرت عبدالبهاء فوراً به جواب بر نمی‌خاستند، سکوت می‌فرمودند، وعظ نمی‌کردند، نصیحت نمی‌نمودند... همه گاه در حین مفاوضه و تماس در جستجوی روح بودند و می‌خواستند جوهر و حقیقت هر نفسی را برون آورند». (۱۷)

در اینجا اجازه دهید که از دو اصل اخلاقی در دیانت بهائی که در رابطه زناشویی در دنیای امروز نقش مستقیمی دارد ذکری کنم. اصلی که در دیانت بهائی به عنوان پایه تمام صفات انسانی ذکر شده همان اصل صداقت و راستگویی است. یکی از امراض اجتماعی امروز که در دو دهه اخیر به طور فزاینده‌ای انتشار پیدا کرده و ازدواج‌ها را دچار مشکلات فراوان کرده همان پدیده نقض عهد، سستی در تعهد و یا خیانت است.

با پیدا شدن الگوهای زندگی مدرن، ساعات کار طولانی زن و مرد که از یک طرف زن و شوهر را در بیشتر ساعات روز از هم جدا کرده و از طرفی در را به روی با هم بودن و معاشرت با دیگران در محل کار باز می‌گذارد، پیدا شدن آزادی‌های زیاده‌رو در ارتباطات بین زن و مرد و محو شدن مرزهای رابطه‌ای در خارج از ازدواج و از طرفی دیگر با انفجار وسائل ارتباط جمعی که افراد را دور از چشم دیگران در اقل وقت به هم متصل می‌کند، پیدا شدن انواع و اقسام سایت‌های اینترنتی Internet Sites که افراد را برای برآوردن نیازهای کلامی، عاطفی، جسمی و جنسی با

افراد دیگری حتی در شعاع یک کیلومتر محلّ اقامت آنها آشنا و مرتبط می‌کند و بالاخره با پیدا شدن بلای عظیمه اعتیادآور به سایت‌های Pornography آمار روابط نامشروع به طور بی‌سابقه‌ای بالا رفته.

حضرت ولیّ امرالله در توقیعی می‌فرماید:

«بهائیان باید با تمسک تام به احکام و تعالیم امر مبارک با این قوای مخزبه که چنین به سرعت به تخریب حیات عائله و جمال روابط خانوادگی مشغولند و بنای اخلاقی جامعه را متلاشی می‌سازد مبارزه نمایند». (۱۸)

این شرایط محیطی و اجتماعی که ما را در درون خود غرق می‌کند مستلزم هوشیاری و توجه فوق‌العاده است تا جسم و جان و ازدواجمان را از اثرات مسموم‌کننده آن محفوظ و مصون داریم. تمسک به اصل صداقت راهی مطمئن برای مصون بودن از این جوّ مریض است چه که می‌فرمایند هیچ امر مخفی بین خود نداشته باشید. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«قوی‌ترین علقه‌ای که قلوب زن و شوهر را به یکدیگر متحد می‌نماید صداقت و وفاداری است. هیچ امر مخفی بین خود نداشته باشید». (۱۹)

لازم به تذکر است که تعهد و وفاداری در ازدواج تنها رعایت عفت و عصمت و احترام به حریم مقدّس ازدواج نیست بلکه تعهد به حلّ کردن مسائل و ایجاد محیط گرم و پر محبت در روابط خانوادگی هم هست.

چند کلامی هم در مورد روابط با فرزندان بیان می‌کنم که خود بحث مفصّلی است و در آثار مبارکه هم مفصّلاً تشریح شده است، به دو نکته اشاره می‌کنم:

اول آن که: بنیادی‌ترین اصل تعلیم و تربیت فرزندان همان رابطه سالم و پر محبت بین پدر و مادر است که طبعاً جوّ روحانی، پاک، باصفا و امن ایجاد می‌کند که منجر به شور و شوق خدمت هم می‌شود. نوزاد انسان در رابطه با جسم مادر رشد می‌کند و بعد از تولّد هم در سال‌های اولیه وابستگی کامل به او دارد. حالات جسمانی و روحانی مادر حتی در دوران بارداری بر جسم و جان فرزند اثر دارد. رابطه پدر با فرزند قبل از این که به طور مستقیم برقرار گردد از طریق مادر صورت می‌گیرد. محبت و دلگرمی و حمایت پدر از مادر در این دوران اولیه در کیفیت حالات مادر و در نتیجه در رابطه مادر و فرزند اثر مستقیم گذاشته و تعیین‌کننده است. اگر رابطه بین پدر و

مادر شفاف و محبت‌آمیز باشد شرایط سالم برای رشد فرزند مهیاست. حال اگر فرزند احساس اختلاف دائمی و ناامنی کند جسم و جاننش دچار دوگانگی شده و در رشدش اختلال حاصل می‌شود. دیوید کود David Code در کتاب خود به نام "بچه‌ها همه چیز را جذب می‌کنند" به تحقیقات گسترده‌ای در نقاط مختلف دنیا اشاره می‌کند که حاکی از آنست که استرس Stress، نگرانی و اضطراب والدین مستقیماً در حالات روانی، روحی و حتی جسمانی بچه‌ها اثر منفی می‌گذارد و برای بچه‌ها مسموم‌کننده است. اختلالاتی نظیر ADHD باشند، آسم Asthma، آلرژی و غیره همه در اثر Stress والدین ایجاد شده و تقویت می‌یابند. در پیامی بیت‌العدل اعظم به اثرات این جو خانوادگی در سلامت روحانی فرزندان اشاره می‌کنند:

«اگر کودکان در منزلی تربیت شوند که خانواده از مسرت و وحدت برخوردار باشد، افکار و اعمال در جهت مواضع روحانی و ترقی امرالله سرّیان داشته باشد، دلایل بسیار بر این باور وجود دارد که اطفال به اکتساب صفات ربّانی نائل شده حامیان امرالله خواهند شد.» (۲۰)

بنابراین در تمام مراحل پر اشتغال تعلیم و تربیت و رسیدگی به فرزندان نباید از اهمیت توجه به رابطه پدر و مادر غافل شد و همواره باید در تقویت آن کوشا بود.

نکته دوم آن که: پدران و مادران عزیز که با آگاهی و عشق فراوان نوزادان و فرزندان خود را بزرگ کرده و برای زندگی سالم آماده می‌کنند حتماً به این نکته واقفند که عشق و محبت به فرزندان در هر دوره از رشد کودک به نحوی مختلف خود را نشان می‌دهد. توجه و کنترل کامل و دائمی لازمه در سال‌های اولیه با رشد توانایی‌های فرزند باید با آگاهی جای خود را به تدریج به فضائی سالم و امن برای شکوفائی خاصّ فردیت و شخصیت او بدهد. در سنین نوجوانی و جوانی فرزندان ما به استعدادات و علائق خاصّ خود آشنا می‌شوند و نقش والدین هدایت و حمایت سالم این مسیر است بدون تحمیل علائق فردی خودشان، فرزندان ما هر یک مخلوق بی‌نظیر الهی هستند که باید راه و هدف زندگی خود را با شور و اشتیاق پیدا کنند و بدانند که دعای خیر و حمایت ما والدین همواره همراهشان است. در یکی از پیام‌های بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم که:

«ثمره این رابطه این است که فرزندان در حالی که قوای تمیز و قضاوت آنها تهذیب شده به سنین بزرگسالی قدم می‌گذارند به طوری که می‌توانند جریان حیات خویش را به نحوی هدایت نمایند که به نحو احسن به سعادت آنها منجر شود.» (۲۱)

از جمله مسئولیت‌های دیگر که بر دوش جوانان ما است همان انتخاب شریک زندگی برای خودشان است. در این مورد وظیفه والدین مشخص است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«اما مسئله تزوج به موجب شریعت الله اول باید که شما یکی را بپسندید بعد به رضایت پدر و مادر مرهون قبل از انتخاب شما آنان حق مداخله ندارند». (۲۲)

شاید از وظائف نهائی ما والدین همان تصویب و یا خدای نکرده عدم تصویب انتخاب آنها باشد. پس از این تصویب دیگر بدیهی است که هر نوع دخالت و تحمیلی در نحوه زندگی و تصمیمات زوج جوان، به جز مواردی که خود جویای این نظر باشند، از محدوده وظائف والدین خارج است. در زندگی پر اشتغال امروزی انتظارات زیاد والدین در ازای فداکاری‌ها و محبت‌ها در بزرگ کردن آنها بار سنگینی بر دوش زوج‌های جوان می‌گذارد و خدای نکرده عدم توانائی آنها از برآوردن همه این انتظارات نه تنها باعث دلسردی والدین می‌شود بلکه باعث احساس گناه دائمی در فرزندان می‌شود که خود اثرات شومی در زندگی آنها خواهد داشت.

البته در احترام و حرمت والدین در این امر همانند ادیان دیگر تشویق و تأکید شده و شکی در آن نیست که جوانانی که در محیط سالم و پر روح و محبت خانواده بزرگ شده‌اند البته مشتاق احترام و جلب رضایت والدین خود هستند. در پیام رضوان بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم که:

«هر پدر و مادری که به جمال مبارک مؤمن و معتقد است، مسئولیت آن را دارد که به گونه‌ای

سلوک و رفتار نماید که خود به خود اطاعت از والدین را ایجاب کند». (۲۳)

در هنگامی که فرزندان به دلایل مختلف ترک خانه کرده و مستقل می‌شوند ارتباط بین والدین و فرزندان وارد مرحله جدیدی می‌شود. این استقلال تازه یافته برای فرزندان، اکثراً برای والدین سخت است و مراحل احساسی و عاطفی تازه‌ای را تجربه خواهند کرد. رابطه سالم و پر محبت بین والدین در این دوران هم به هر دو کمک کرده که با حمایت یکدیگر بتوانند فرزندان نازنین را در زندگی جدیدشان آن طور که لازم است حمایت کنند.

در خاتمه یکبار دیگر به اهمیت حیاتی تقویت و استحکام رابطه زناشویی در تمام مراحل زندگی قبل از تولد فرزندان، در تمام مراحل رشد و نمو آنها و بعد از مستقل شدن آنها اشاره کرده و با تشکر از توجه و لطف شما عزیزان با بیانی زیبا از حضرت عبدالبهاء خاتمه می‌دهم:

«احدی از نفوس به وحدت و موافقتی که خداوند برای زن و شوهر مقدر فرموده، پی نبرده».

(۲۴)

خداوند چنان اتحاد و اتّفاقی بین زن و شوهر خلق نموده است که هیچکس نمی‌تواند در این دنیا بالاتر از این اتّحادی را تصوّر کند.

یادداشت‌ها

- ۱- امر و خلق، طبع طهران، ج ۲، ص ۵۲۰، و طبع آلمان ص ۲۴۳.
- ۲- بیت العدل اعظم، مقدمه بر کتاب اقدس، Baha'i World Centre, Haifa 1995، ص ۷.
- ۳- حیات عائله، گزیده‌هایی از پیام‌های بیت العدل اعظم، ۲۰۰۸، ص ۶.
- ۴- کتاب قرن بدیع، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، ۱۹۹۲ Dundas, Ontario, Canada ص ۴۳۲.
- ۵- نقل از طیور حدیقه وفا، ص ۱ و ۹۳-۱۱۰. Compilations, pp. 93-110.
- ۶- ترجمه مکتوب بیت العدل اعظم به یکی از احباء، اول اوت ۱۹۷۸.
- ۷- ترجمه از مکتوب بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی نیوزیلند، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۸، ص ۴۷۰، و در کتاب Messages from the Universal House of Justice, 1963-1986، Baha'i Publishing Trust, Wilmette, Illinois
- ۸- ترجمه از مکتوب بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی نیوزیلند.
- ۹- نقل از کتاب بهاءالله و عصر جدید، دارالنشر البهائیه در برزیل، ۱۹۸۸، ص ۹۹.
- ۱۰- ترجمه مکتوب بیت العدل اعظم به یکی از احباء، ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹.
- ۱۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Baha'i Publishing Trust, Wilmette, Illinois، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۸۴.
- ۱۲- ترجمه مکتوب بیت العدل اعظم به یکی از احباء، ۲ ژانویه ۱۹۹۶.
- ۱۳- از جزوه جوانان، انتخاب ازدواج، ص ۳۷.

- ۱۴- ترجمه مکتوب بیت العدل اعظم به یکی از احبّاء، اوّل اوت ۱۹۷۸.
- ۱۵- حیات عائله، ص ۱۰.
- ۱۶- درگه دوست، هوارد کلیبی آیوز، فصل سیزدهم، مؤسسه مطبوعات امری ۱۹۷۰، ص ۲۶۱-۲۶۲.
- ۱۷- درگه دوست.
- ۱۸- حیات عائله، ص ۱۲.
- ۱۹- پیام آسمانی، از انتشارات پیام بهائی، چاپ فرانسه، نشر دوّم، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۹۳. مضمون بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احبّاء هنگام مسافرت به آمریکا.
- ۲۰- حیات عائله، ص ۱۴.
- ۲۱- ترجمه مکتوب بیت العدل اعظم به یکی از احبّاء، ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸.
- ۲۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ۲۳- پیام بیت العدل اعظم به احبّای عالم، رضوان ۲۰۰۰.
- ۲۴- گلزار تعلیم بهائی، University of Toronto Press Incorporated، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۱۶۲.